

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره سیزدهم، پاییز ۱۴۰۳: ۵۹-۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

مطالعه خشونت بین فردی در میان جوانان استان فارس با تأکید بر مؤلفه‌های فردی و اجتماعی^۱

مریم سروش*

صدیقه البرزی**

چکیده

در استان فارس، خشونت بین فردی به شکل نزاع، ضرب و جرح و قتل رخ می‌دهد و در اکثر موارد، جوانان مرتکب این خشونت‌ها می‌شوند. هدف تحقیق، بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر بروز خشونت بین فردی در میان جوانان است. روش تحقیق، پیمایشی و جامعه آماری، جوانان ۱۸-۳۵ سال استان فارس هستند. ۱۶۲۷ پرسشنامه بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از شهرستان‌های شیراز، لار، داراب و آباد جمع‌آوری و تحلیل شد. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر میزان خشونت درگیری در سایر رفتارهای پرخطر، رضایت از زندگی و سابقه خشونت بین دوستان بوده است. نتایج نشان می‌دهد که برای کاهش خشونت در جامعه، نخست تکیه بر عوامل اجتماعی اهمیت بیشتری نسبت به عوامل روان‌شناختی دارد. دوم اینکه برای تأثیرگذاری بر عوامل اجتماعی باید سیاست‌های راهبردی کلان برای کاهش نابرابری و توسعه را در دستور کار قرار داد که موجب تصویر امیدوارکننده زندگی در آینده برای جوانان باشد. توسعه نهادهای اجتماعی که مشارکت در آنها هم مهارت حل مسئله و مذاکره را افزایش

۱. این مقاله با استفاده از داده‌های یک طرح پژوهشی درباره رفتارهای پرخطر جوانان با کد سمات ۲۱۶۹۰۹-۱۵۶۶۷ به دست آمده که اداره کل ورزش و جوانان استان فارس از آن حمایت کرده است.

soroush@acecr.ac.ir

* استادیار گروه علوم رفتاری، جهاد دانشگاهی فارس، ایران

alborzi254@gmail.com

** نویسنده مسئول: پژوهشگر گروه علوم رفتاری، جهاد دانشگاهی فارس، شیراز، ایران



داده، هم احساس موفقیت را در جوانان ایجاد می‌کند و نهادینه شدن مشارکت و به تبع آن روش‌های مدنی موفقیت و پیشگیری از منازعه در ساختار اجتماعی می‌تواند در درازمدت به کاهش خشونت بین‌فردی بینجامد.

واژه‌های کلیدی: جوانان، خشونت بین‌فردی، عوامل اجتماعی، رفتارهای پرخطر و استان فارس.

بیان مسئله

شیوع رفتارهای پرخطر، یکی از موضوعات جدی تهدیدکننده سلامت است که در سال‌های اخیر با توجه به تغییرات سریع اجتماعی از سوی سازمان‌های بهداشتی، مجریان قانون و سیاست‌گذاران اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در جامعه مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات نشان داده که اغلب رفتارهای پرخطر از جمله مصرف سیگار و قلیان، الکل، مواد مخدر و رفتارهای جنسی نایمن از دوره نوجوانی و جوانی آغاز می‌شود و در بسیاری از موارد با هم رخ داده، اثرات همدیگر را تشدید می‌کنند (مرزبان، ۱۳۹۷: ۴۶). رفتارهای پرخطر به رفتارهایی گفته می‌شود که سلامت و بهزیستی جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی افراد و جامعه را به خطر می‌اندازد؛ مانند مصرف مواد مخدر، الکل، سیگار و رفتارهای نایمن جنسی، دزدی، پرخاشگری و خشونت و گریز از مدرسه و خانه (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۶). شیوع این رفتارها در میان جوانان و نوجوانان می‌تواند به خودشان و دیگران آسیب برساند. بنابراین حتی شیوع کم آنها نیز نباید از دید متخصصان و سیاستگذاران مخفی بماند؛ زیرا تداوم چنین رفتارهای مخاطره‌آمیزی از سوی جوانان، موجب شکل‌گیری خرده‌فرهنگ ضد اجتماعی شده، زمینه نامنی، ترس از جرم، هراس اجتماعی و کاهش اعتماد را در بین افراد جامعه فراهم می‌آورد (سعادت، ۱۳۹۹: ۱۱۰).

خشونت و انواع آن که در سطوح مختلف فردی و جمعی و به اشکال مختلف ظهور می‌یابد، یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های حیات اجتماعی امروز افراد و جوامع به شمار می‌آید. خشونت، رفتاری است که با هدف آسیب رساندن به دیگری سر می‌زند و رفتارهایی را از قبیل تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح، تخریب و قتل شامل می‌شود. دامنه خشونت از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

رفتارهای خشونت‌آمیز ممکن است در اثر خشم و در دو سطح آگاهانه و ناآگاهانه اتفاق افتد. خشونت، پدیده جدیدی نیست و در طول تاریخ، انسان‌ها همواره به دلایل مختلف با یکدیگر، درگیری‌های خشونت‌آمیز داشته‌اند. اما آنچه در جامعه امروز آن را به یک مسئله اجتماعی تبدیل کرده، افزایش میزان آن در جامعه است. ما

هر روزه شاهد تظاهر خشونت در اطراف خود، در اشکال مختلفی چون ناسزاها، فحاشی‌ها، هل دادن‌ها، داد کشیدن‌ها و آسیب رساندن به اموال دولتی و غیر دولتی و مانند آن در کوچه و خیابان، زمین‌های ورزشی، اماکن عمومی و مدارس هستیم. این در حالی است که تعداد زیادی از نزاع‌ها و آمار ضرب و جرح‌ها از سوی افراد به مراکز پلیس گزارش نمی‌شود (زارعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

امروزه شکل‌های مختلف خشونت، چه در زندگی خصوصی و چه در عرصه عمومی، به یک مسئله اجتماعی رو به رشد و متأسفانه به بخشی از رفتار عادی و روزمره بسیاری از انسان‌ها تبدیل شده است. ناگفته پیداست که فراگیر شدن و افزایش میزان خشونت، شایسته یک جامعه انسانی و اخلاقی نیست و نباید آن را امری طبیعی قلمداد کرد و نسبت به آن بی‌اعتنا بود. خشونت در مقابل خشونت دیگران، نقطه آغاز خشونت‌ورزی اجتماعی و تبدیل یک امر فردی به یک مسئله اجتماعی است. خشونت هرچند در سطح فردی رخ می‌دهد، در بروز آن، علل و عوامل زیادی از جمله عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و... نقش دارند. ناکامی‌ها، محرومیت‌ها و سرخوردگی اجتماعی و اقتصادی، شرایط نامناسب زندگی همچون فقر، ناهنجاری اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی و تبعیض، نابسامانی محیط خانواده، سقوط ارزش‌های اخلاقی و معنوی و... زمینه را برای شکل‌گیری احساسات منفی و رفتارهای خشونت‌آمیز در افراد جامعه فراهم می‌سازد.

وقتی پیامدهای خشونت را از قبیل ترس، طرد و انزوای اجتماعی، تحقیر و بازماندگی از جامعه و مهم‌تر از همه بازتولید چرخه خشونت در خانواده و جامعه، در کنار عوامل یادشده قرار دهیم، شاهد خواهیم بود که با طرح مسئله خشونت، مسائل و آسیب‌های مختلف اجتماعی نمایان خواهد شد که این عوامل به تعبیری، ریشه‌ها و شاخه‌های درختی هستند که در واقع خشونت، تنه آن درخت است. شناخت و کنترل این عوامل، نقش مؤثری در رفتار بهنجار افراد جامعه به‌ویژه جوانان خواهد داشت و در صورت عدم شناخت و کنترل رفتارهای خشونت‌آمیز، خشونت از طریق فرایند جامعه‌پذیری، تثبیت و به صورت بخشی از ویژگی‌های رفتاری آنها در جامعه ادامه می‌یابد و حتی به خشونت‌های شدیدتر نیز تبدیل می‌شود.

از این‌رو پرداختن به مسئله خشونت و سعی در پیشگیری و کاهش آن، خودبه‌خود بسیاری از مسائل اجتماعی دیگر را نیز درگیر خواهد کرد و در تخفیف آنها مؤثر خواهد بود. توجه به اینکه دوران ۱۸-۳۵ سالگی، دوران جوانی محسوب می‌شود، در این دوران، فرد دیگر وابسته‌خو نیست، استقلال‌طلب و از تعلق و وابسته بودن گریزان است، می‌خواهد خودش بیندیشد، خودش تصمیم بگیرد و رفتار کند. بنابراین حس استقلال‌طلبی و برتری‌جویی در جوان، ایجاد خلأ می‌کند و به دنبال آن مواجهه با بحران‌های مختلف اعم از بحران شخصیت یا هویت، بحران روابط اجتماعی، بحران خانواده، بحران جنسی و بحران کار در سن جوانی به‌نوعی او را در فشار قرار داده، کارکرد سیستم زیستی و التهابات و غرایز مختلف نیز به‌نوعی وی را نامتعادل کرده، رفتار پرخاشگرانه را در فرد تقویت می‌کند. بنابراین لزوم چنین پژوهشی در این گروه سنی پراهمیت است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۹۵).

بر این اساس مقاله حاضر برای بررسی خشونت بین‌فردی در میان جوانان با هدف ترسیم وضعیت خشونت بین‌فردی در میان جوانان و شناسایی مؤلفه‌های اجتماعی و روان‌شناختی مؤثر بر آن و تعیین سهم هر یک در تبیین خشونت بین‌فردی طراحی و تدوین شد.

پیشینه تجربی

متولیان و همکارانش (۱۳۹۹)، نقش نارضایتی نوجوانان از کیفیت ارتباط با پدر و مادر را در پیش‌بینی گرایش به سرقت، خشونت و خودکشی بررسی کرده‌اند. پژوهشگران با تحقیق روی دانشجویان کارشناسی دانشگاه مازندران دریافته‌اند که ۱۴/۶ درصد دانشجویان از پدر و ۱۰ درصد دانشجویان از مادر خود متنفرند. گرایش پسران به سرقت و خشونت، بیش از دختران است و بین نارضایتی از پدر و مادر و خشونت و خودکشی، رابطه وجود دارد. نارضایتی از پدر، قدرت پیش‌بینی بیشتری داشته است.

زارعی و همکاران (۱۳۹۹)، عوامل اجتماعی مؤثر بر نزاع و خشونت بین‌فردی را در شهر همدان بررسی کرده و دریافته‌اند که تعامل با خانواده، دوستان و تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه، مشارکت و فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی،

رابطه معکوسی با خشونت دارد. مهم‌ترین متغیر، تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه بود.

تاج‌آبادی و همکاران (۱۳۹۹) به پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان و تأثیر چشم‌انداز زمانی و طرد همسالان پرداختند. آنها دریافته‌اند که نگرش فرد نسبت به گذشته، حال و آینده، گستره وسیعی از تصمیم‌ها و اعمال او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در میان دختران، گذشته منفی، رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی می‌کند. اما درباره پسران علاوه بر گذشته منفی، گذشته مثبت و حال جبرگرا نیز این رفتارها را پیش‌بینی کرده است. طرد همسالان در هیچ گروهی، پیش‌بینی‌کننده رفتارهای پرخطر نبود.

زارعی و همکاران (۱۳۹۹)، «گرایش به رفتارهای پرخطر را در نوجوانان شهر بوشهر» بررسی کرده‌اند و از مقیاس خطرپذیری درباره سه رفتار گرایش به سیگار، خشونت و رانندگی پرخطر استفاده کرده‌اند. نتایج نشان داده که وجود دوستان مصرف‌کننده دخانیات با هر سه رفتار پرخطر ارتباط داشته است. به‌علاوه رفتارهای پرخطر با هم در ارتباط بوده، در نتیجه درگیری در یک رفتار، احتمال ایجاد رفتارهای دیگر را بالا می‌برد. حسینی و مصطفی‌پور (۱۳۹۶)، عوامل فیزیولوژیک را با عوامل فردی و اجتماعی در بروز خشونت بررسی کرده‌اند. این مقاله با تمرکز بر حوزه آسیب‌دیدگی عصبی، اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی و شیمی مغز به بررسی جرایم خشونت‌آمیز نوجوانان پرداخته است. نتایج این بررسی نشان داده که میزان اثرگذاری هر یک از حوزه‌های سه‌گانه یادشده کاملاً نسبی است و در تعامل با عوامل فردی و اجتماعی معنا می‌یابد.

فیگوردو و همکارانش (۲۰۱۸) در تحقیقی، ارتباط میان خشونت بین‌فردی با راهبردهای تاریخچه زندگی را بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که راهبردهای آهسته باعث ایجاد سازوکارهای روان‌شناختی می‌شود که خشونت بین‌فردی و در کل رفتارهای انحرافی را کاهش می‌دهد. رابطه میان خشونت بین‌فردی و راهبردهای زندگی با سازوکارهای شناختی گرم یا سرد، واسطه‌گری می‌شود. سازوکارهای گرم، خشونت را افزایش و سازوکارهای سرد، خشونت را کاهش می‌دهند.

استودارد^۱ و همکارانش (۲۰۱۵)، تحقیقی درباره خشونت و استفاده از مواد مخدر در میان جوانان انجام داده‌اند تا درباره جزئیات بروز خشونت اطلاعاتی به دست آورند. داده‌ها از بخش اورژانس بیمارستان جمع شد و شامل ۵۹۹ جوان ۱۴ تا ۲۴ ساله بود که ۵۹ درصد آنها پسر و ۶۵ درصد آنها سیاه‌پوست بودند و در شش ماه قبل از آن، مواد مصرف کرده بودند. نتایج نشان داد که علت اصلی خشونت در پسران، اختلاف بر سر دارایی‌های شخصی و در میان دختران، حسادت و شایعات است. شدت خشونت، زمانی که مشارکت جویان، الکل و کوکائین مصرف کرده بودند، متوسط بود و خشونت با شدت بالا، وقتی رخ می‌داد که افراد، الکل مصرف کرده بودند.

اسمیت و همکاران (۲۰۰۹)، مفهوم‌سازی خشونت جنسی بین‌فردی را که با استفاده از چارچوب نظری بوم‌شناختی اجتماعی مطرح شده، برای نشان دادن عواملی که در محیط وجود دارد و باعث خشونت و قربانی شدن می‌شود، انجام داده‌اند. تمرکز آنها بر ساختار جنسیتی و شبکه‌های جنسیتی است. آنها نتیجه گرفته‌اند که پیشگیری از خشونت مستلزم این است که فرهنگمان را از فرهنگی که به صورت پیوسته ساختار جنسیتی را بازتولید کرده و قدرت و اقتدار را مردانه می‌داند و فرصت‌ها و محدودیت‌ها را طوری سامان می‌دهد که سلطه مردان بر زنان را تقویت کند، تغییر دهیم. این کار مستلزم کنش دقیق برای مشروع‌سازی زنانگی در فرهنگ و ایجاد قوانین و اعمالی است که نابرابری جنسیتی را کاهش دهد.

پرز^۲ و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه خود از اصول فرهنگ‌پذیری استفاده کرده‌اند تا نظریه عمومی تنش قومیتی را ارائه دهند. ۱۷۲۹ نوجوان لاتین‌تبار، به پرسشنامه‌ای برای اندازه‌گیری تنش‌های سنتی، تنش‌های مربوط به فرهنگ‌پذیری و جرایم خشن پاسخ دادند. نتایج نشان داده که تنش‌های مرتبط با قومیت، جرایم خشن را بین جوانان لاتین‌تبار بالا می‌برد. بنابراین تنش‌هایی که حاصل تعصب و تبعیض هستند، احتمال بزهکاری را بالا می‌برند.

در جمع‌بندی تحقیقات گذشته می‌توان گفت که هرچند تحقیقات منطقه‌ای یا استانی در زمینه خشونت جوانان وجود دارد، این تحقیقات یا روی جامعه آماری خاص

(دانشجویان، دانش‌آموزان، مجرمان و...) انجام شده یا معطوف به خشونت‌های خانوادگی است و پیمایش جامع یا حتی آمار رسمی قابل اعتماد در این زمینه وجود ندارد. اطلاعات ما از شیوع خشونت محدود به تجربه زیسته افراد و مصاحبه‌های مراجع ذی‌صلاح کشور است.

از سوی دیگر نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل روان‌شناختی بررسی‌شده در تحقیقات پیشین شامل تاب‌آوری، هیجان‌خواهی، خطرپذیری، کنترل خود، سبک دلبستگی، مرکز کنترل و مهارت کنترل خشم بوده است. عوامل اجتماعی مطرح‌شده شامل تحصیلات والدین، پایگاه اقتصادی اجتماعی، جنسیت و هنجارهای مردانگی، وضعیت سکونت، خانوارهای تک‌والدی، حمایت اجتماعی خانواده و دوستان، تجربه قبلی خشونت و احساس تبعیض بوده است. هر یک از این متغیرها، اندازه‌ای از واریانس رفتار پرخطر (خشونت بین‌فردی) را توضیح داده‌اند. اکثر تحقیقات انجام‌شده بیشتر یا همه تبیین‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را به درجات مختلف تأیید کرده‌اند. اما به‌ندرت عوامل روان‌شناختی و اجتماعی در کنار یکدیگر قرار گرفته و در یک مدل واحد بررسی شده‌اند. در این تحقیق تلاش کرده‌ایم تا با استفاده از مدل روانی-اجتماعی رفتارهای پرخطر، تبیین جامع‌تری از خشونت در میان جوانان ارائه شود.

چارچوب نظری

رفتارهای پرخطر به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول رفتارهایی است که سلامت و به‌روزی خود فرد را به خطر می‌اندازد، مانند مصرف مواد مخدر، الکل، سیگار و رفتارهای نایمن جنسی. دسته دوم، رفتارهایی است که سلامت و به‌روزی دیگران را نیز تهدید می‌کند، مانند دزدی، پرخاشگری و خشونت، گریز از مدرسه و خانه. مطابق تحقیقات گذشته، عوامل متعددی در بروز رفتارهای پرخطر تأثیر دارند. طبق مدل زیستی-روانی-اجتماعی، عوامل مختلفی از جمله زیستی (مانند هورمون‌ها)، شناختی (ادراک خطر و عزت نفس) و اجتماعی (مانند عوامل جامعه‌پذیری به‌ویژه والدین و همسالان) از عوامل زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخطر هستند (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

در این تحقیق از نظریه رفتارهای مشکل‌دار^۱ استفاده کرده‌ایم که یک چارچوب ذهنی منظم چندمتغیری روان‌شناختی- اجتماعی است که به بررسی چگونگی تعامل عوامل فردی و اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای بهنجار و مشکل‌دار می‌پردازد و فرد را در محیط اجتماعی بررسی می‌کند و دارای سه بخش یا سیستم محیطی، شخصیتی و رفتاری است (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۱).

سه سیستم شخصیت، محیط و رفتار در ارتباط متقابل با یکدیگر بوده، عوامل مخاطره‌آمیز و عوامل محافظتی که شامل انگیزش، باورها و کنترل شخصی در نظام شخصیت، والدین و دوستان و نگرش‌ها و هنجارهای موجود درباره رفتارهای مشکل‌دار در محیط درک‌شده هستند، باعث افزایش یا کاهش احتمال انجام رفتارهای مشکل‌دار یا رفتارهای قابل قبول از نظر اجتماعی می‌شود. با این حال نظام اجتماعی دورتر نیز تأثیر خود را از طریق متغیرهای ساختاری بر شخصیت و محیط فرد اعمال می‌کند. به نظر می‌رسد که سه سیستم شخصیت، محیط درک‌شده و سیستم رفتاری، مستقیم‌ترین تأثیر را بر وقوع یا عدم وقوع رفتار مشکل‌دار دارند. در هر سیستم، متغیرها یا محرک^۲ و یا کنترلی هستند که با هم یک نتیجه نظری و یک حالت پویا تولید می‌کنند که به آن تمایل^۳ می‌گویند و در واقع احتمال رخداد رفتار مشکل‌دار را نشان می‌دهد. از آنجا که تمایل به انجام رفتار مشکل‌دار، یکی از ویژگی‌های سیستم است، از نظر نظری، معنادار خواهد بود که از تمایل شخصیتی، تمایل سیستمی و تمایل رفتاری صحبت کنیم. وقتی تمایل در هر سه سیستم با هم وجود داشته باشد، ترکیب آنها، مفهوم تمایل کلی روانی- اجتماعی^۴ را ایجاد می‌کند که مفهوم کلیدی این نظریه برای پیش‌بینی در رخ دادن و تغییر در رفتار مشکل‌دار است (Jessor et al, 1991: 18). جیسور نخست دریافت که روابط متقابل بین سیستم‌ها وجود دارد. دوم اینکه عوامل خطر، بهتر از عوامل محافظتی، تغییرات رفتاری را پیش‌بینی و تبیین می‌کنند و بالاخره الگوی دوستان، بیشترین تأثیر را دارد (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۲).

جیسور و همکارانش در ادامه تحقیقاتشان روی این مدل نظری و جمع‌آوری شواهد برای آن، یک تحقیق طولی طراحی کردند که با استفاده از یک نمونه بزرگ، متغیرهای

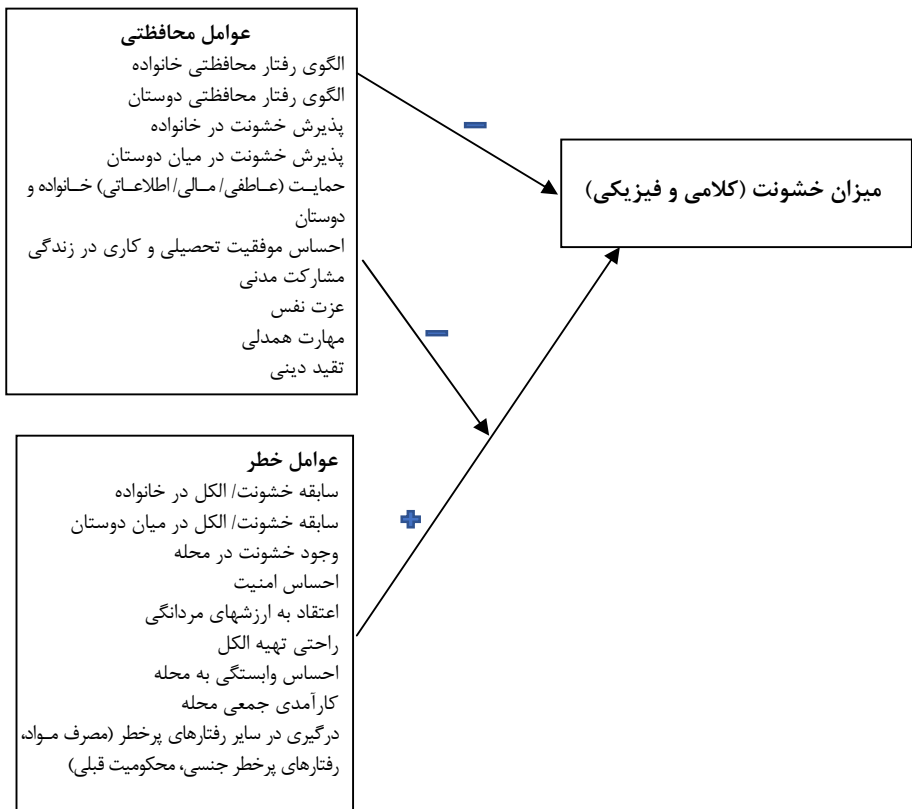
1. problem behavior theory
2. instigation
3. proneness
4. overall psychosocial proneness

لازم را اندازه‌گیری و رفتارهای مشکل‌دار و معمول نوجوانان را رصد می‌کرد. این مطالعات از دهه ۱۹۷۰ میلادی شروع شد و در دهه ۱۹۸۰، آنها توانستند مدل نظری خود را از نوجوانی فراتر برده، در سنین جوانی آزمون کنند. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون این مدل در میان جوانان بالای ۱۸ سال نشان داد که نه‌تنها می‌توان از آن در پیش‌بینی رفتار جوانان استفاده کرد، بلکه دلالت‌های سودمندی نیز برای مسیرهای رشد اجتماعی نوجوانان به دست آمد.

در ایران، اسلامی و همکارانش (۱۳۸۹)، ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی سازه‌های روانی اجتماعی این مدل را ارزیابی کرده و با استفاده از تحلیل عامل تأیید کردند که این مدل را می‌توان در ایران به کار برد. در هر حوزه، هم عوامل مخاطره‌آمیز و هم عوامل محافظت‌کننده ذکر شده‌اند. عوامل خطر^۱ را می‌توان برای تقسیم مفهوم در دو بخش به کار برد. عواملی که باعث شروع یک رفتار مخاطره‌آمیز می‌شود و عواملی که باعث تشدید درگیری در یک رفتار یا تعهد به انجام یک رفتار مخاطره‌آمیز بعد از شروع آن می‌شود. برای نوجوانان، معنای اول مهم‌تر و برای جوانان، معنای دوم اهمیت دارد. عوامل محافظتی از نظر مفهومی، عواملی هستند که باعث تشویق به رفتار مثبت و رشدی می‌شوند. به‌علاوه این رفتارها، تأثیرات مواجهه با عوامل خطر را کاهش داده یا تعدیل می‌کنند و در نتیجه احتمال درگیر شدن در رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهند. با این ملاحظات، پیش‌بینی‌های نظریه در نظریه رفتار مشکل‌دار را به ساختارهای عوامل خطر و عوامل محافظتی از حوزه‌های علی محیط درک‌شده، شخصیت و رفتار تبدیل کرده‌ایم. عوامل محافظتی عبارتند از مدل‌های رفتار مثبت یا اجتماعی، کنترل‌های شخصی و اجتماعی در برابر رفتار مخاطره‌آمیز، حمایت اجتماعی برای انجام رفتارهای مثبت و تجربه واقعی رفتارهای مثبت یا سلامت‌محور. عوامل خطری که احتمال رخ دادن رفتارهای مخاطره‌آمیز را افزایش می‌دهد، شامل مدل‌های درگیر شدن در رفتار پرخطر، فرصت‌های درگیری در این رفتارها، آسیب‌پذیری فردی برای انجام این رفتارها و تجربه واقعی انجام رفتارهای پرخطر است. در این مدل، رابطه‌ای مستقیم از عوامل محافظتی و عوامل خطر به رفتار پرخطر وجود دارد. به‌علاوه اثر تعدیل‌کننده

عوامل محافظتی بر تأثیر مواجهه با ریسک هم مشاهده می‌شود (تأثیر غیر مستقیم). هم بستر اجتماعی و هم تفاوت‌های فردی، خانواده، همسالان، محله و... خود را در این چارچوب نشان می‌دهند. کنترل‌های محافظتی به کنترل‌های غیر رسمی اجتماعی مثل همسالان، خانواده و محله و همچنین کنترل‌های شخصی اشاره دارند. آسیب‌پذیری فردی، اشاره به عزت نفس پایین، درک فرصت‌های زندگی پایین و افسردگی در سطح شخصی دارد که همه آنها ریسک انجام رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد (Jessor, 2016: 26-34).

با بررسی این مدل و جمع‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناختی جرم و انحرافات اجتماعی به نظر می‌آید همه عوامل مهم تأثیرگذار بر انجام رفتارهای پرخطر و مجرمانه به صورت کارآمدی در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین مدل تجربی زیر برای آزمون پیشنهاد می‌شود:



شکل ۱- مدل تجربی تحقیق

در این مدل در مؤلفه عوامل محافظتی، متغیرهای الگوی خانواده و دوستان برای مؤلفه مدل محافظتی، پذیرش خشونت از سوی خانواده و دوستان برای مؤلفه کنترل محافظتی، میزان حمایت عاطفی و مالی خانواده و دوستان برای مؤلفه حمایت و احساس موفقیت تحصیلی و کاری، مشارکت مدنی، عزت نفس و مهارت همدلی برای مؤلفه رفتار محافظتی در نظر گرفته شده‌اند.

در مؤلفه عوامل خطر، سابقه خشونت در خانواده، میان دوستان و محیط محله به عنوان مدل خطر، احساس امنیت و اعتقاد به ارزش‌های مردانگی برای مؤلفه آسیب‌پذیری، راحتی تهیه الکل و وجود زمینه‌های بروز خشونت (میزان وابستگی به محله و کارآمدی جمعی محله) برای مؤلفه فرصت انجام رفتار پرخطر و برای مؤلفه درگیری در سایر رفتارهای پرخطر، مصرف ماری‌جوانا و مواد مخدر، رفتار جنسی پرخطر و سابقه زندان در نظر گرفته شده‌اند.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری، زنان و مردان ۱۵ تا ۳۵ ساله ساکن مناطق شهری استان فارس است که بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، جمعیت آنها برابر با ۱۰۱۷۶۴۴ نفر بود که از این تعداد، ۶۴۲۶۶۴ نفر در شهر شیراز و ۳۵۴۸۷۲ نفر در سایر نقاط شهری استان ساکن هستند. با در نظر گرفتن گستردگی جغرافیایی جامعه آماری در ابتدا استان فارس به چهار منطقه جغرافیایی تقسیم شد و در هر منطقه، پرجمعیت‌ترین شهر در نظر گرفته شده، در هر شهر از افراد واجد شرایط با استفاده از نقشه منطقه‌بندی شهرداری مناطقی به تصادف مشخص شده، جمع‌آوری اطلاعات انجام گرفت. جمع‌آوری اطلاعات در هر شهر با نمونه‌گیری از خانوارهای ساکن در شهر و با استفاده از نقشه انجام شد.

حجم نمونه برابر با ۱۶۵۸ نفر بوده، ابزار پژوهش در این تحقیق، پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. برای تعیین اعتبار، از اعتبار صوری استفاده شد و به این منظور پرسش‌نامه به تعدادی از صاحب‌نظران این حوزه ارائه شد و اجماع نظر درباره مناسب بودن ابزار پیمایش حاصل گردید. برای تعیین پایایی گویه‌های تشکیل‌دهنده شاخص‌ها

از روش آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد. بررسی روابط دومتغیره و چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ انجام شد.

تعریف متغیرها

متغیر وابسته تحقیق، بسامد خشونت بین‌فردی (فیزیکی و کلامی) است. بسامد بروز خشونت بین‌فردی به صورت تعداد دفعات رفتارهای خشونت‌آمیز (مثل هل دادن، کتک زدن، ضربه زدن و...) یا کلام خشونت‌آمیز (داد زدن، فحش دادن، تحقیر کردن و مسخره کردن) در ماه، اندازه‌گیری شده است. مجموع نمره‌های این سؤالات (شش گویه)، نمره نهایی خشونت بین‌فردی را تشکیل می‌دهد. سؤالات این بخش با استفاده از پرسشنامه‌های خشونت فیزیکی جنینگر و همکاران (۲۰۱۱) (سه سؤال) و خشونت کلامی گرافورد^۲ و همکاران (۲۰۰۶) (سه سؤال) تهیه شده است.

عوامل محافظتی شامل الگوی خانواده و دوستان بوده که میزان وجود قواعد، نگرش‌ها و رفتارهای مناسب در خانواده و در میان گروه دوستان است. پذیرش خشونت از نظر فرد، خانواده و دوستان، میزان قابل قبول بودن و پذیرفته شدن رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی فرد، خانواده و گروه دوستی او را اندازه‌گیری می‌کند. این متغیر به صورت سؤالاتی با طیف پنج‌قسمتی لیکرت اندازه‌گیری شده است. حمایت خانواده و دوستان نشان می‌دهد که فرد از نظر عاطفی و مالی، چقدر از سوی خانواده و دوستان مورد حمایت قرار می‌گیرد، چقدر به آنها نزدیک است و تا چه اندازه در مواقع سختی می‌تواند به آنها تکیه کند. این متغیر نیز به صورت سؤالاتی با طیف لیکرت پنج‌قسمتی اندازه‌گیری شده است.

برای اندازه‌گیری مؤلفه رفتار محافظتی، سه متغیر موفقیت تحصیلی و کاری و مشارکت مدنی و میزان تعهد دینی اندازه‌گیری شده است. برای اندازه‌گیری موفقیت تحصیلی، معدل فرد در آخرین سال تحصیل، معدل فارغ‌التحصیلی در دانشگاه (یا آخرین ترم تحصیلی) و نظر فرد درباره میزان موفقیتش در کار اندازه‌گیری می‌شود. برای اندازه‌گیری مشارکت مدنی، درباره عضویت او در تشکل‌های مدنی مانند شورای ساختمان،

1. Cronbach's Alpha
2. Grawford

شورای محله، انجمن اولیا و مربیان، گروه‌های محیط‌زیستی یا خیریه و... سؤال شد. متغیر تعهد دینی نیز به صورت یک سوال با نمره‌گذاری از صفر تا ۲۰ اندازه‌گیری شده است. عوامل خطر شامل سابقه وجود خشونت توسط والدین، تعداد دوستانی که در یک ماه گذشته در خشونت درگیر شده‌اند، تعداد دفعاتی که در یک ماه گذشته در محله آنها خشونتی رخ داده است می‌باشد. احساس امنیت که عبارت است از در امان بودن، آرامش و آسودگی و رهایی از تردید و اعتماد به دریافت‌های شخصی، شامل امنیت جانی، مالی و سیاسی است. امنیت جانی شامل احساس امنیت از جان خود، خانواده و آبرو است. این متغیر با استفاده از سؤالاتی با طیف لیکرت پنج قسمتی اندازه‌گیری شد. میزان اعتقاد به ارزش‌های مردانگی به درونی‌سازی استانداردها یا هنجارهای فرهنگی و اجتماعی درباره نقش و رفتار مردان اشاره می‌کند (Cho & Kogan, 2017: 942). این متغیر با استفاده از پرسشنامه‌ای که چو و کوگان در سال ۲۰۱۷ طراحی کرده‌اند عملیاتی شده است. در این پرسشنامه سؤالاتی درباره ویژگی‌های «یک مرد واقعی» مطرح شده که پاسخگویان در قالب یک طیف لیکرت پنج قسمتی، میزان موافقت خود را با آن مشخص کند.

عزت نفس، متغیر بعدی است که برای اندازه‌گیری آن از پرسشنامه استاندارد کوپر اسمیت - که برای بزرگسالان طراحی شده - استفاده شده است. نمره این مقیاس از منفی ۱۰ تا مثبت ۱۰ تغییر می‌کند. هرچه نمره فرد بالاتر باشد، عزت نفس بالاتری خواهد داشت. مهارت همدلی به معنای «توانایی تشخیص یا تجربه غیر مستقیم (وضعیت هیجانی) یا حالت عاطفی موجودی دیگر» یا «پاسخ عاطفی ناشی از درک یا فهم وضعیت یا شرایط عاطفی هیجانی دیگران» است (ر.ک: Ballet & Maloney, 1991; 1831). این متغیر با استفاده از پرسشنامه مهارت همدلی مارک دیویس^۱ (ر.ک: برانینگان، ۱۳۸۲) اندازه‌گیری شده است.

راحتی تهیه الکل با یک سؤال به صورت طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. زمینه بروز خشونت در محله با دو متغیر و میزان احساس وابستگی به محله و کارآمدی جمعی محله اندازه‌گیری می‌شود. این متغیرها با استفاده از سؤالاتی با طیف لیکرت پنج‌قسمتی

اندازه‌گیری شد. زمینه بروز خشونت با نمره‌های پایین در میزان احساس وابستگی به محله و کارآمدی اجتماعی محله افزایش خواهد یافت. برای اندازه‌گیری این متغیر از پرسشنامه کامستوک^۱ و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شده است. درگیری در سایر رفتارهای پرخطر به صورت تعداد دفعات مصرف ماری‌جوآنا و مواد مخدر، تعداد دفعات انجام رفتار جنسی پرخطر (شرکای جنسی متعدد و رابطه جنسی محافظت‌نشده) و وجود سابقه زندان اندازه‌گیری شده است. برای اندازه‌گیری رفتار جنسی پرخطر از پرسشنامه یی^۲ و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شده است. پایایی این مقیاس در تحقیق یی و همکاران، ۰/۹ گزارش شده است. وجود سابقه زندان نیز با یک سؤال اندازه‌گیری شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ۵۱ درصد پاسخگویان، مرد و ۴۹ درصد آنها، زن بوده‌اند. ۵۳/۵ درصد مجرد، ۳۲/۷ درصد متأهل و ۸/۵ درصد در مرحله نامزدی و عقد به سر می‌برده‌اند. ۵/۳ درصد نیز به دلایل مختلف (طلاق، فوت همسر یا جدایی) بدون همسرشان زندگی می‌کرده‌اند. قومیت نزدیک به ۷۶ درصد نمونه، فارس بوده و ۱۲/۴ درصد از پاسخگویان، ترک بوده‌اند. ۵/۵ درصد از پاسخگویان را لرها و ۳/۹ درصد از آنها را عرب‌ها تشکیل داده‌اند. ۲/۳ درصد باقی‌مانده را دیگر قومیت‌ها تشکیل داده‌اند. ۸۵/۴ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که پدر و مادرشان با هم زندگی می‌کنند، ۲/۹ درصد آنها فرزند طلاق بوده، پدر و مادر ۱/۶ درصد از آنها نیز جدا از هم زندگی می‌کرده‌اند. پدر یا مادر ۱۰/۱ درصد از پاسخگویان نیز فوت کرده بودند.

جدول ۱- رتبه‌بندی خشونت بین فردی و عوامل محافظتی و عوامل خطر

متغیر	کم N (%)	متوسط N (%)	زیاد N (%)
میزان خشونت بین فردی	۱۴۳۸ (۸۸/۴)	۱۷۶ (۱۰/۸)	۱۳ (۰/۸)
رفتارهای محافظتی خانواده	۳۱ (۱/۹)	۵۴۰ (۳۳/۲)	۱۰۵۶ (۶۴/۹)
رفتارهای محافظتی دوستان	۲۰۸ (۱۲/۸)	۸۹۴ (۵۴/۹)	۵۲۵ (۳۲/۳)

1. Comstock
2. Yi

۸۲ (۵)	۷۳۷ (۴۵/۳)	۸۰۸ (۴۹/۷)	پذیرش خشونت در خانواده
۳۱ (۱/۹)	۷۸۶ (۴۸/۳)	۸۱۰ (۴۹/۸)	پذیرش خشونت میان دوستان
۹۵۸ (۵۸/۹)	۶۱۲ (۳۷/۶)	۵۷ (۳/۵)	حمایت اجتماعی
۳۸ (۲/۳)	۲۳۷ (۱۴/۶)	۱۳۵۲ (۸۶/۱)	میزان خشونت و الکل در خانواده
۶۳ (۳/۹)	۵۷۲ (۳۵/۲)	۹۹۲ (۶۱)	میزان خشونت در میان دوستان
۶۸ (۴/۲)	۲۲۰ (۱۳/۵)	۱۳۳۹ (۸۲/۳)	خشونت در محله
۵۲۷ (۳۲/۴)	۴۷۳ (۲۹/۱)	۶۲۷ (۳۸/۵)	تقید دینی
۱۴۶ (۹)	۶۹۵ (۴۲/۷)	۷۸۶ (۴۸/۳)	راحتی تهیه الکل
۳۸۳ (۲۳/۵)	۹۶۱ (۵۹/۱)	۲۸۳ (۱۷/۴)	احساس امنیت
۵۵۶ (۳۴/۲)	۱۰۱۵ (۶۲/۴)	۵۶ (۳/۴)	ارزش‌های مردانگی
۱۰۵۳ (۶۴/۷)	۵۱۸ (۳۱/۸)	۵۶ (۳/۴)	مهارت همدلی
۸۹۴ (۵۴/۹)	۵۸۸ (۳۶/۱)	۱۴۵ (۸/۹)	وابستگی به محله
۸۲۰ (۵۰/۴)	۷۰۸ (۴۳/۵)	۹۹ (۶/۱)	کارآمدی محله
۸۹۵ (۵۵)	۵۸۴ (۳۵/۹)	۱۴۸ (۹/۱)	احساس موفقیت کاری و تحصیلی
۳۵۷ (۲۲)	۳۵۹ (۲۲/۱)	۹۱۱ (۵۶)	میزان مشارکت مدنی
بالا=۱۴۴۳ (۸۸/۷)		پایین=۱۸۱ (۱۱/۱)	عزت نفس

برای درک بهتر وضعیت هر یک از متغیرهای تحقیق، همه متغیرها به صورت رتبه‌ای گزارش شده‌اند. برای رتبه‌بندی متغیرهای فاصله‌ای، دامنه تغییرات متغیر را به سه قسمت مساوی تقسیم کرده، به صورت رتبه‌ای کدگذاری شده است (در تحلیل‌های آماری از متغیر اصلی استفاده شده است). اکثریت پاسخگویان، خشونت کمی در روابط بین‌فردی خود داشته‌اند و کمی بیش از ۱۰ درصد، خشونت متوسطی از خود نشان داده‌اند. رفتارهای محافظتی ۶۴/۹ درصد از خانواده‌ها و ۳۲/۳ درصد از دوستان در سطح بالا و رفتار محافظتی ۱/۹ درصد از خانواده‌ها و ۱۲/۸ درصد از دوستان، پایین بوده است. در کل خانواده بیشتر از دوستان، رفتارهای محافظت‌کننده داشته‌اند. پذیرش رفتارهای خشن از سوی ۴۹/۷ درصد از خانواده‌ها و ۴۹/۸ درصد از دوستان در سطح پایین و پذیرش ۵ درصد از خانواده‌ها و ۱/۹ درصد از دوستان، بالا بوده است. ۵۸/۹ درصد از

پاسخگویان، حمایت اجتماعی زیاد و ۳۷/۶ درصد، حمایت اجتماعی متوسطی از سوی خانواده و دوستانشان دریافت می‌کرده‌اند.

نتایج نشان می‌دهند که ۵۵ درصد، احساس موفقیت زیاد یا خیلی زیادی می‌کنند. ۳۳/۱ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که اصلاً مشارکت اجتماعی و مدنی ندارند و ۲۲ درصد زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. در کل میزان احساس موفقیت و مشارکت در میان جوانان، زیاد نیست. نتایج نشان می‌دهد که خانواده ۲/۳ پاسخگویان، سابقه زیادی از خشونت داشته‌اند و ۱۴/۶ درصد نیز در حد متوسطی درگیر بوده‌اند. خشونت در میان دوستان در ۳۵/۲ موارد در حد متوسط و در ۳/۹ درصد از پاسخگویان بالا بوده است. ۸۲/۳ درصد از پاسخگویان گفته‌اند بروز خشونت در محل زندگی‌شان کم بوده است، اما ۴/۲ درصد از آنها در محله‌های بسیار پرخشونت زندگی می‌کرده‌اند.

نتایج نشان می‌دهد کمتر از یک‌چهارم پاسخگویان، احساس امنیت زیادی داشته‌اند. بیشتر پاسخگویان در حد متوسطی به ارزش‌های مردانگی معتقد بوده و ۳۴/۲ نیز نمره بالایی از این سنجه کسب کرده‌اند. تنها ۳/۴ درصد از پاسخگویان با گویه‌های این متغیر موافقت کمی داشته‌اند. اکثریت پاسخگویان، مهارت همدلی زیادی دارند. اکثریت پاسخگویان، وابستگی زیادی به محله خود داشته‌اند و ۳۶/۱ درصد، میزان وابستگی متوسطی به دست آورده‌اند. به‌علاوه اکثریت پاسخگویان، کارایی محله خود را بالا ارزیابی کرده‌اند و ۴۳/۵ درصد نیز در محله‌هایی با کارآمدی متوسط زندگی می‌کرده‌اند.

نمره‌های عزت نفس پاسخگویان نشان می‌دهد که بیش از ۸۸ درصد از آنها، عزت نفس بالایی داشته‌اند. از پاسخگویان خواسته شده بود معدل آخرین سال تحصیلی خود را بیان کنند. نتایج نشان می‌دهد که میانگین معدل آخرین سال تحصیلی پاسخگویان، ۱۵/۶۶ بوده است. همچنین از پاسخگویان سؤال شده بود که چقدر خود را مقید به دین می‌دانند و از آنها خواسته شده بود به میزان تقید خود از صفر تا بیست نمره بدهند. میانگین نمره میزان تقید دینی پاسخگویان، ۱۱/۶۲ به دست آمده است که بسیار کم به نظر می‌رسد. ۳۸/۵ درصد از پاسخگویان، نمره زیر ۱۰ به دین‌داری خود داده‌اند. یکی دیگر از عوامل خطر درگیری در سایر رفتارهای پرخطر مانند دخانیات و مواد مخدر،

رابطه جنسی پرخطر یا محکومیت قانونی است. جدول زیر، میزان درگیری پاسخگویان در این رفتارها را نشان می‌دهد.

جدول ۲- درگیری در رفتارهای پرخطر

رفتار پرخطر	N (%)	رفتار پرخطر	N (%)
رابطه جنسی در سه ماه گذشته		استفاده از کاندوم	
بلی	۷۵۶ (۴۶/۵)	بلی	۴۱۸ (۵۵/۳)
خیر	۸۷۱ (۵۳/۵)	خیر	۳۳۸ (۴۴/۷)
جمع	۱۶۲۷ (۱۰۰)	جمع	۷۵۶ (۱۰۰)
تعداد شریک جنسی در سه ماه گذشته		استفاده از دخانیات و مواد مخدر	
یک نفر	۵۷۴ (۷۶/۸)	سیگار	۲۵۷ (۱۵/۸)
بیش از یک نفر	۱۷۳ (۲۳/۲)	قلیان	۳۹۴ (۲۴/۲)
جمع	۷۴۷ (۱۰۰)	ماری‌جوانا	۲۷ (۱/۷)
سن اولین رابطه جنسی		مواد مخدر سنتی	
زیر ۱۵	۵۵ (۷/۳)	مواد مخدر صنعتی	۹ (۰/۶)
۱۵-۱۸	۱۱۹ (۱۵/۹)	روان‌گردان‌ها	۷ (۰/۴)
بالای ۱۸	۵۷۵ (۷۶/۸)	هیچ‌کدام	۹۰۳ (۵۵/۵)
جمع	۷۴۹ (۱۰۰)	سابقه محکومیت	
		بلی	۱۶۰ (۹/۸)
		خیر	۱۴۶۷ (۹۰/۲)

نتایج نشان می‌دهد که ۴۶/۵ درصد از پاسخگویان در سه ماه گذشته، رابطه جنسی داشته‌اند. با توجه به اینکه ۳۲/۷ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که متأهل هستند و ۸/۵ درصد نیز در دوران عقد یا نامزدی به سر می‌برده‌اند، به نظر می‌رسد که تعدادی از جوانان مجرد نیز رابطه جنسی را تجربه کرده‌اند. تعداد شرکای جنسی ۷۶/۸ درصد از کسانی که رابطه جنسی داشته‌اند، یک نفر و ۲۳/۲ درصد بیش از یک نفر اعلام شده است که نشان‌دهنده درگیری زیاد در رفتارهای پرخطر جنسی است. سن اولین رابطه جنسی ۷/۳ درصد از جوانان، زیر ۱۵ سال بوده است. ۱۵/۹ درصد از آنها بین ۱۵ تا ۱۸

سال اولین تجربه جنسی خود را داشته‌اند و ۷۶/۸ درصد نیز در سن بالای ۱۸ سال، رابطه جنسی برقرار کرده‌اند. در برقراری رابطه جنسی، ۴۴/۷ درصد از افراد از کاندوم استفاده نکرده و ۵۵/۳ درصد از این وسیله استفاده کرده‌اند.

۵۵/۵ درصد از پاسخگویان هیچ‌یک از مواد ذکرشده را مصرف نکرده بودند. از ۴۵ درصد باقی‌مانده، اکثر افراد از قلیان (۲۴/۲ درصد) استفاده کرده بودند. سیگار، مواد مخدر سنتی، ماری‌جوانا، مواد مخدر صنعتی و داروهای روان‌گردان به ترتیب، درصد کمتری را نشان می‌دهد. بیش از ۹۰ درصد از پاسخگویان، سابقه محکومیت نداشتند، اما ۹/۸ درصد از آنها اظهار کرده‌اند قبلاً به زندان محکوم شده بودند. با بررسی همه این موارد، شش عامل رفتار پرخطر وجود دارد که هر یک از پاسخگویان، بسته به درگیری در هر کدام، نمره‌ای در آن کسب کرده‌اند که از صفر تا شش متغیر است. نتایج نشان می‌دهد که بیش از ۹۵ درصد پاسخگویان، نمره سه و کمتر در رفتارهای پرخطر داشته‌اند و ۵ درصد نیز در رفتارهای پرخطر زیادی درگیر بوده‌اند.

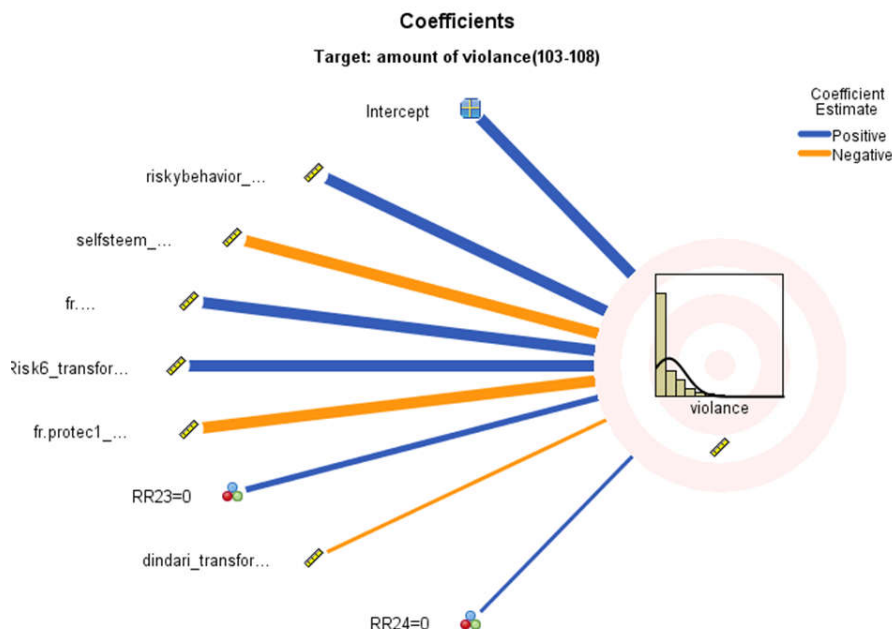
جدول ۳- رابطه میان عوامل محافظتی، عوامل خطر و خشونت بین‌فردی

عوامل محافظتی	ضریب همبستگی	عوامل خطر	ضریب همبستگی	همبستگی بعد از کنترل عوامل محافظتی
الگوی محافظتی خانواده	۰/۳۶**	احساس امنیت	۰/۲۵**	۰/۴۶
الگوی محافظتی دوستان	۰/۴۱**	ارزش‌های مردانگی	۰/۰۳	۰/۰۸*
میزان پذیرش خانواده	۰/۲۳**	دسترسی به الکل	۰/۴۴**	۰/۱۲**
میزان پذیرش دوستان	۰/۱۲**	وابستگی به محله	۰/۲۷**	۰/۰۷
حمایت اجتماعی	۰/۴۰**	کارآمدی محله	۰/۳۷**	۰/۰۸
معدل آخرین سال تحصیلی	۰/۳۲**	الکل و خشونت در خانواده	۰/۳۷**	۰/۰۷

۰/۰۶۰	۰/۴۰**	خشونت بین دوستان	-۰/۴۶**	عزت نفس
۰/۲۵**	۰/۴۸**	سایر رفتارهای پرخطر	-۰/۲۴**	مهارت همدلی
	۵۷/۵۹** F=	احساس موفقیت*	-۰/۲۴**	تقید دینی
			۳۴/۷۸** F=	مشارکت مدنی*

* در این مورد با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه انجام شده است.
 * در سطح ۹۵ درصد اطمینان، معنادار است.
 ** در سطح ۹۹ درصد اطمینان، معنادار است.

محاسبه همبستگی عوامل خطر بعد از کنترل عوامل محافظتی و مقایسه آن با ضرایب همبستگی که قبلاً محاسبه شده بود، نشان می‌دهد که در برخی موارد، رابطه‌های یافت‌شده، بی‌معنا شده و در موارد دیگر، شدت رابطه، کاهش یافته است.



شکل ۲- مدل رگرسیون چند متغیره

در تحلیل چندمتغیره رگرسیون چندمتغیره خطی از روش گام‌به‌گام و دستور Automatic Linear Modeling استفاده شده است. مهم‌ترین متغیر واردشده در مدل درگیری در رفتارهای پرخطر دیگر است. بعد از آن به ترتیب عزت نفس، سابقه خشونت بین دوستان، در دسترس بودن الکل، رفتارهای محافظتی دوستان، میزان تقید دینی و مشارکت مدنی هستند.

جدول ۴- متغیرهای واردشده به مدل رگرسیون میزان خشونت بین‌فردی

importance	Sig	T	Coefficient	متغیر
	۰/۰۰۰	۲۶/۴۹	۷/۴۳	intercept
۰/۳۳	۰/۰۰۰	۱۰/۰۵	۰/۴۲	رفتارهای پرخطر
۰/۲۳	۰/۰۰۰	۸/۴۳	-۰/۰۹	عزت نفس
۰/۱۵	۰/۰۰۰	۶/۷۴	۰/۱۶	سابقه خشونت بین دوستان
۰/۱۲	۰/۰۰۰	۵/۹۲	۰/۱۳	در دسترس بودن الکل
۰/۱۱	۰/۰۰۰	-۵/۸۹	-۰/۱۰	الگوی رفتارهای محافظتی دوستان
۰/۰۲	۰/۰۰۷	۲/۶۹	۰/۳۸	رضایت کم از کار، تحصیل و زندگی
۰/۰۱	۰/۰۵	-۱/۹۶	۰/۰۱	میزان تقید دینی

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، درگیری در دیگر رفتارهای پرخطر، مهم‌ترین متغیر واردشده به مدل بوده، میزان تقید دینی، آخرین متغیر واردشده به مدل محسوب می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که درگیری در رفتارهای پرخطر دیگر، عزت نفس پایین، وجود سابقه خشونت بین دوستان، دسترسی زیاد به الکل، نبود الگوهای رفتاری محافظتی بین دوستان، کم بودن رضایت از کار، زندگی و تحصیل و تقید دینی کم باعث افزایش خشونت بین‌فردی در میان جوانان می‌شود.

نتایج به‌دست‌آمده از جداول شماره (۳) و (۴) نشان می‌دهد که متغیرها و روابط مشخص‌شده در مدل تحقیق بر اساس نظریه جسور و همکاران تأیید می‌شود. متغیرهای محافظتی و عوامل خطر، رابطه معناداری با انجام رفتار پرخطر (خشونت) داشته‌اند.

به علاوه متغیرهای محافظتی، سهم عوامل خطر را به شدت کاهش می دهند. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان دهنده میزان اهمیت متغیرها در این مدل است. مهم ترین متغیر مرتبط با متغیر وابسته، درگیری در سایر رفتارهای پرخطر است و بعد از آن، عزت نفس، نقش مهم تری بازی می کند. متغیرهای بعدی، زمینه های تسهیل کننده رفتار در محیط اجتماعی جوانان هستند و میزان تقید دینی، نقش کم رنگی در خشونت داشته است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان می دهد که در مجموع خانواده ها بیشتر از دوستان، رفتارهای محافظتی برای رفتارهای پرخطر داشته اند. این موضوع درباره پذیرش و وجود خشونت نیز صدق می کند. یعنی گروه دوستی، هم پذیرش بیشتری برای رفتارهای خشونت آمیز داشته اند و هم عملاً بیشتر خشونت ورزیده اند. تأثیر خانواده خشن (باوقار زعیمی و شیبانی تدرجی، ۱۳۹۵: ۱۷۸؛ متولیان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱؛ کریمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۳؛ عباسی، ۱۳۹۶: ۱) و تأثیر دوستان یا عضویت در گروه های خشن (رک: Griffin et al, 1999؛ نقدی، ۱۳۹۱؛ عرب نژاد و یزدان پناه، ۱۳۹۰) در بسیاری از تحقیقات گذشته مستند شده است. این موضوع، عوامل مرتبط با جامعه پذیری در محیط خشن و در روابط بین فردی را نشان می دهد که در این مقاله نیز تأیید شده است. یکی دیگر از عوامل سطح میانه که بر میزان خشونت مؤثر بوده، محیط بی واسطه زندگی خارج از خانواده یعنی محله بوده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که هرچه میزان بروز خشونت در محله زندگی پاسخگویان بیشتر بوده، میزان خشونت بین فردی در میان جوانان هم بیشتر شده است. کریمی و همکاران نیز دریافته اند که خشونت به طور مستقیم از عوامل مربوط به محله تأثیر می پذیرد، زیرا رواج خشونت در محله باعث مشروعیت بخشی به آن و یادگیری رفتارهای خشونت آمیز در میان ساکنان محله می شود (کریمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۴).

یک سوم جوانان اظهار کرده اند که هیچ گونه فعالیت مدنی، حتی در حد عضویت در یک گروه داوطلبانه را ندارند. این امر نشان دهنده فقدان زیست انجمنی در میان جوانان است. زیست انجمنی کافی، بیانگر یک جامعه متشکل و غیر توده ای است. در ایران به دلیل ضعف مفرط جامعه مدنی، زیست انجمنی، فرسایش یافته و افول کرده است (مقدر و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۲۴). از آنجا که مشارکت در جامعه مدنی و زیست انجمنی در همه

سطوح کلان، میانه و خرد اجتماعی، آنتی‌ت‌ز رفتارها و روش‌های خشونت‌آمیز است، ضعف این بعد مهم از سرمایه اجتماعی، نشان‌دهنده خشونت امروز و پیش‌بینی‌کننده افزایش خشونت در آینده خواهد بود. نتایج حاضر نیز نشان‌دهنده تفاوت سطح خشونت در میان کسانی است که مشارکت اجتماعی متفاوتی دارند (جدول ۳). ارتباط سرمایه اجتماعی و رفتارهای پرخطر به‌خوبی در تحقیقات گذشته مستند شده است (Albert-Lornez et al, 2019: 547؛ بهرامی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۲؛ سعادت، ۱۳۹۹: ۴۰؛ عشایی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۱؛ نعمت‌اللهی و طاهری، ۱۴۰۲: ۹۱).

نتایج نشان می‌دهد که تجربه خشونت در زندگی جوانان از سوی خانواده (۱۶/۹ درصد متوسط و زیاد)، دوستان (۳۹/۱ درصد متوسط و زیاد) و محله (۱۷/۷ درصد زیاد و متوسط) قابل توجه است. بر اساس چارچوب نظری تحقیق، نظام اجتماعی و تجربه‌ها و الگوهای رفتاری موجود در آن بر رفتار فرد مؤثر است. افراد، الگوهای خشونت در محیط زندگی خود را یاد می‌گیرند و به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های در دسترس برای حل مشکلات اجتماعی خود استفاده می‌کنند (ر.ک: رادمهر و خانزاده، ۱۳۹۷). بر اساس استفاده از این راهبرد ممکن است ارزش‌ها و باورهایی در افراد شکل گیرد که خشونت را می‌پذیرد و روابط اجتماعی خشونت‌آمیز را نهادینه کرده، در سطح میانه تبدیل به یک نهاد اجتماعی و یک الگوی پایدار می‌کند و افراد را به ارتکاب خشونت بیشتر تحریک می‌کند. در نتیجه دور باطل خشونت شکل می‌گیرد. در این دور باطل، سلامت روان افراد خشونت‌ورز و خشونت‌دیده در خطر قرار گرفته، آسیب‌های دیگری نیز به بار می‌آورد. دلبستگی به محله و کارآمدی درک‌شده در محیط اجتماعی نیز بر میزان خشونت-ورزی پاسخگویان، مؤثر بوده است. در واقع کسانی که دلبستگی بیشتری به محله‌شان داشته و کارآمدی بیشتری برای حل مشکلات محله در محیط زندگی‌شان وجود داشته، کمتر خشونت‌ورزیده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که هرگاه پیوندهای اجتماعی مناسبی در سطح میانه وجود داشته باشد، نیاز به خشونت‌ورزی کاهش یافته، ارتکاب عملی به خشونت نیز کم می‌شود.

از میان متغیرهای روان‌شناختی، مهارت همدلی و عزت نفس، هر دو سطح خشونت را کاهش می‌دهند. شدت رابطه عزت نفس با خشونت، دو برابر شدت رابطه مهارت همدلی با خشونت بین‌فردی بوده است (جدول ۳). این امر نشان می‌دهد که ارزشمند

دانستن خود تا چه اندازه می‌تواند به فرد کمک کند تا راه‌حل‌های دیگری غیر از خشونت برای مشکلاتش پیدا کند و اصولاً کمتر برانگیخته شود تا نیاز به اعمال خشونت فیزیکی یا کلامی پیدا کند (Hu et al, 2023: 14).

نتایج نشان می‌دهد که درگیری در سایر رفتارهای پرخطر، مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده خشونت بین‌فردی است. درگیری پاسخگویان در خشونت‌های کلامی و فیزیکی کسانی که رفتارهای پرخطر دیگر را انجام نداده یا سطح درگیری آنها کم بوده، بسیار کمتر از کسانی است که درگیری زیادی در دخانیات و رفتارهای پرخطر جنسی داشته یا سابقه محکومیت داشته‌اند. درگیری جوانان در رفتارهای پرخطر جنسی با توجه به تضاد ارزشی این رفتارها با فرهنگ عمومی جامعه، بسیار زیاد است. مقایسه میزان کسانی که گفته‌اند در سه ماه گذشته، رابطه جنسی داشته‌اند، با وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد که درصدی از آنها، روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج دارند. به‌علاوه ۲۳/۲ درصد از آنها بیش از یک شریک جنسی را تجربه کرده و ۳۴/۲ درصد، اولین رابطه جنسی خود را در سنین کمتر از ۱۸ سال تجربه کرده‌اند. این نتیجه به‌خودی‌خود اهمیت دارد و نشان‌دهنده تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های نسل جوان به خانواده و روابط جنسی است.

در کل نتایج نشان داده که مهم‌ترین عواملی که بر خشونت بین‌فردی مؤثر هستند، عبارتند از: درگیری در سایر رفتارهای پرخطر، عزت نفس، سابقه خشونت در میان دوستان، دسترسی به الکل، الگوی رفتار محافظتی دوستان، عدم رضایت از زندگی، کار و تحصیل. بنابراین می‌توان گفت که اگر محیط اجتماعی و دوستانه جوانان در دوران مدرسه و تحصیل پر از خشونت باشد، عزت نفس فرد پایین باشد و دوستان رفتار مناسبی نداشته باشند و اگر جوان از تحصیل و زندگی خود راضی نباشد، از خشونت به عنوان یک رفتار معمول یا واکنشی به نارضایتی‌ها و ناامنی‌های درونی و بیرونی استفاده می‌کند. خشونت بین‌فردی، یکی از رفتارهای پرخطری است که آسیب‌های آن علاوه بر اینکه به خود فرد و اطرافیانش آسیب می‌زند، تبعات اجتماعی زیادی هم دارد که در افزایش تنش‌های اجتماعی، خشن شدن اختلافات معمول در یک جامعه چندفرهنگی مانند ایران و کاهش روحیه مدارا و هم‌زیستی همدلانه، خود را نشان می‌دهند و زیست

اجتماعی صلح‌آمیز در جامعه را دچار مشکل کرده، به همین دلیل هزینه‌های مادی و غیر مادی زیادی برای جامعه ایجاد می‌کند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در تبیین محرک‌های خشونت بین‌فردی، نخست عوامل اجتماعی، وزن بسیار بیشتری نسبت به عوامل روان‌شناختی دارند. دوم اینکه از میان عوامل روان‌شناختی، عزت نفس، اهمیت بیشتری داشته است. کسانی که عزت نفس کمتری دارند، بیشتر خشونت می‌ورزند. سابقه خشونت در میان دوستان به‌ویژه در دوران مدرسه، الگوی رفتاری دوستانه در میان جوانان، یکی از این عوامل است که از سوی دیگر اگر جوان از کلیت زندگی، کار و تحصیل رضایت کافی نداشته باشد، مجموعه شرایط روانی و اجتماعی برای او فراهم می‌کند که در روابط شخصی و اجتماعی‌اش، مرتکب خشونت‌های فیزیکی و کلامی شود. نکته دیگر اینکه نتایج همبستگی جزئی به‌دست‌آمده در جدول (۳) نشان می‌دهد که اگر بر تقویت عوامل محافظتی تأکید بیشتری شود، تأثیر عوامل خطر بسیار کاسته می‌شود. بنابراین باید راهبردهایی در این جهت در پیش گرفته شود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که محیط امن، سالم (خانواده و دوستان) و رضایت‌بخش در زندگی (رضایت از زندگی) و داشتن چشم‌انداز امیدبخش برای آینده و اطمینان به اینکه فرد به اندازه کافی ارزشمند است و می‌توان به این چشم‌انداز نزدیک شد (عزت نفس)، می‌تواند خشونت را کاهش دهد. راه‌حل بسیاری از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی از جمله رفتارهای پرخطر را در سیاست‌های چندسطحی در ساختار اجتماعی می‌توان جست‌وجو کرد. بنابراین هم در سطح خرد (فردی و روابط بین افراد)، هم در سطح میانه (نهاد خانواده، اجتماع محلی و جامعه مدنی) و هم در سطح کلان (سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و اجتماعی و روش حکمرانی) باید تمهیداتی اندیشید. بر این اساس می‌توان توصیه‌هایی به سیاست‌گذاران ارائه کرد.

در سطح فردی، راه‌حل ایجاد محیط صلح‌آمیز و دوستانه در سیاست‌های تربیتی موجود در مدارس، آموزش مؤثر مهارت‌های زندگی (حل مسئله، کنترل خشم و مهارت همدلی، مهارت ابراز وجود و افزایش اعتماد به نفس) است.

در سطح میانه، ایجاد پیوند و اتصال بین فرد و محیط اجتماعی، یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش خشونت بین‌فردی است. تقویت زیست انجمنی در سطح محله و شهر، افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت در مدیریت محله‌ها و اجتماعات کوچک، ایجاد نهادهای خرد و کوچک مقیاس برای ایجاد حس پیوند و هویت فردی و گروهی می‌تواند علاوه بر اینکه بر شکاف‌های جنسیتی، قومیتی و... پل بزند، مهارت‌های کار جمعی و انسجام اجتماعی را تقویت کرده، مانع بروز خشونت در روابط بین‌فردی شود.

در سطح کلان، بهبود کیفیت حکمرانی جامعه پیشنهاد می‌شود؛ به طوری که متغیرهای اقتصاد کلان و توسعه اجتماعی و سیاسی بتواند چشم‌انداز امیدبخش و امن لازم برای جوانان را فراهم کرده، بستر مناسبی برای اجرای راهکارهای سطح میانه و خرد فراهم آورد تا از میزان خشونت‌های اجتماعی بکاهد.

منابع

- اسلامی، احمدعلی و دیگران (۱۳۸۹) «یک الگوی نظری مبتنی بر نظریه رفتار مشکل‌دار برای تبیین رفتارهای مشکل‌دار، تمرکز بر نقش میانجی عوامل روانی اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۲، صص ۵۹-۸۱.
- باوقار زعیمی، زهرا و فاطمه شیبانی تدرجی (۱۳۹۵) «بررسی علل پرخاشگری در کودکان»، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۷۸-۱۹۵.
- برانیگان، گری جی. (۱۳۸۲) آزمون روان‌شناسی: فعالیت‌های کاربردی یادگیری، ترجمه فریبا نبوی آل‌آقا، امیرکبیر.
- بهرامی، ژیلا و دیگران (۱۳۹۹) «تدوین مدل علی رفتارهای پرخطر بر اساس سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری با نقش میانجی هویت اخلاقی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه)»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، سال نوزدهم، شماره ۴۹، صص ۵۳-۷۲.
- تاج‌آبادی، زهره و دیگران (۱۳۹۹) «نقش چشم‌انداز زمانی و طرد همسالان در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر نوجوانان شهر یزد»، فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۴۱.
- حسینی، سید محمد و مسعود مصطفی‌پور (۱۳۹۶) «جرم‌شناسی عصبی رویکردی نوین در تحلیل جرایم خشونت‌آمیز اطفال و نوجوانان»، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۶۵-۱۹۶.
- رادمهر، فرشته و عباسعلی حسین‌خانزاده (۱۳۹۷) «نقش مهارت‌های حل مسئله و خودکارآمدپنداری در تبیین رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان»، فصلنامه سلامت روان کودک، سال پنجم، شماره ۳، صص ۱۵۷-۱۶۹.
- زارعی، عارف و دیگران (۱۳۹۹) «گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان شهر بوشهر و عوامل مرتبط با آن در سال»، دوماهنامه طب جنوب، سال بیست‌وسوم، شماره ۶، صص ۵۵۴-۵۶۸.
- زارعی، مصطفی و دیگران (۱۳۹۹) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان با تأکید بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهر همدان)»، نظم و امنیت اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۵۹.
- سعادت، موسی (۱۳۹۹) «مطالعه جامعه‌شناختی نقش فرایند اجتماعی در تبیین رفتارهای پرخطر»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۴.
- عباسی، مرتضی (۱۳۹۶) «بررسی جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در بروز خشونت در مردان ۱۵-۴۵ ساله شهر کوار»، دانش انتظامی، شماره ۱۵، صص ۱-۲۲.

- عرب‌نژاد، فاطمه و لیلا یزدان‌پناه (۱۳۹۰) «عوامل مرتبط با خشونت و سابقه آن در بین جوانان»، رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۷۱-۹۵.
- عشایری، طه و دیگران (۱۴۰۱) «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار پرخطر (فرا تحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱)»، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، سال هفدهم، شماره ۵۳، صص ۳۱-۵۹.
- کریمی، جلیل و دیگران (۱۳۹۵) «محلّه، مسکن و خشونت، (مطالعه موردی: مناطق حاشیه‌ای و غیر حاشیه‌ای شهر کرمانشاه)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال هفتم، شماره ۲۱، صص ۸۳-۱۰۶.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران، سمت.
- متولیان، سید مهدی و دیگران (۱۳۹۹) «مقایسه نارضایتی جوانان از کیفیت ارتباط با پدر و مادر و نقش آن در پیش‌بینی گرایش به سرقت خشونت و خودکشی»، انتظام اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۱-۲۶.
- مرزبان، آمنه (۱۳۹۷) «بررسی شیوع رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان شهر قم»، مجله دانشگاه علوم پزشکی پارس، سال شانزدهم، شماره ۳، صص ۴۴-۵۱.
- مقتدر، یونس و دیگران (۱۴۰۰) «وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران از نگاه صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۴۲۴-۴۴۶.
- نعمت‌اللهی، زهرا و زهرا طاهری (۱۴۰۲) «بررسی رابطه انواع سرمایه خانواده و گرایش به رفتارهای پرخطر (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر و روستای شهرستان الشتر)»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۴۰)، صص ۹۱-۱۲۲.
- نقدی، وحید (۱۳۹۱) «بررسی تأثیر هنجارهای اخلاقی و تربیتی بر خشونت جوانان»، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره ۳، صص ۷-۳۹.

- Albert-Lornez E., Paulik E., Szabo B., Foley K., Gasparik A (2019) "Adolescent Smoking and The Social Capital of Local Communities in Three Counties in Romania". *Gaceta Sanitaria*, 33(6), 547-553.
- Ballet P. S. Maloney M. (1991) "The Importance of Empathy as an Interviewing Skill in Medicine", *Journal of the American Medical Association*, 266 (13), 1831-1832.
- Cho J., Kagan S. M. (2017) "Development and Validation of The Masculine Attributes Questionnaire". *American Journal of Men's Health*. 11(4), 941-951.
- Figueredo A. G., Gladden P. R., Bianchi J. M., Patch E. A., Kavanach Ph. S., Beok C., Sotomayor-Peterson M., Yun Fan J., Li N. (2018) "Intimate Partner

- Violence, Interpersonal Aggression and Life History Strategy”, *Evolutionary Behavioral Science*, 12(1), 1-31.
- Griffin K.W., Scheier L. M./ Botvin G. J., Diaz T., Miller N. (1999) “Interpersonal Aggression in Urban Minority Youth: Mediators of Perceived Neighborhood, Peer and Parental Influences”. *Journal of Community Psychology*, 27 (3), 281-298.
- Hu. Y., Cai Y., Gun Y., He N. (2023) “The Relationship Between Self Steem and Aggressive Behavior Among Chinese Adolescents: A Moderated Chain Mediation Model”, *Frontiers in Psychology*, 14, 1191134. doi: 10.3389/fpsyg.2023.1191134.
- Jessor R. (2016) *The Origin and Development of Problem Behavior Theory*, Springer.
- Jessor R. Donovan J. E., Costa F. M. (1991) *Beyond Adolescence: Problem Behavior Theory and Young Adult Development*, Cambridge University Press.
- Perez D. M., Jennings W. G., Gover A. R. (2008) “Specifying General Strain Theory: An Ethnically Relevant Approach”, *Deviant Behavior*, 29(6), 544-578.
- Smith P. H., White I. W. and Maracco K. E. (2009) “Becoming Who We are: A Theoretical Explanation of Gendered Social Structures and Social Networks that Shape Adolescent Interpersonal Aggression”. *Psychology of Women Quarterly*, 33, 25-29.
- Stoddard S. A., Epstien-NGO. G., Walton M. A., Zimmerman M. A., Chermack S. T., Blow F. C., Booth B. M., Cunningham R. M. (2015) “Substance Use and Violence among Youth: A Daily Calendar Analysis”, *Substance Use & Misuse*, 50(3), 328-339.